

صاحب درد

همین فصلنامه کتاب را به دست آوریم در آن مسائل و مشکلات کتابداری و کتابخانه‌های کشور را خواهیم یافت؟ به نظر می‌رسد در بسیاری از پژوهش‌های این حوزه دو رویکرد عمده به چشم می‌خورد:

*سؤالات و مسائلی تکراری که بارها به آنها پرداخته شده و جواب‌های کلاسیکی نیز برای آنها مطرح شده است. همچون سؤالات کلامی که هزاران سال است مثلاً مؤمنان مسیحی پرسیده‌اند و متکلمان متصلب نیز همان پاسخ‌های کهن را بی‌هیچ نواندیشی تکرار کرده‌اند. این مسائل در رشته ما نیز مطرح می‌شوند و بدون هیچ زایش و پویایی در پاسخ، همان حرف‌های قبلی تکرار می‌شوند. ادبیات رشته ما سرشار از این نوع بررسی‌ها و مثلاً پژوهش‌هایی است که مسلماً بسیاری از آنها برخاسته از درد و نیاز نیستند و شاید اگر دردی هم مطرح باشد درد نیافتن موضوع پژوهش باشد.

مولانا تمثیلی عبرت‌آموز دارد: فردی محکم بر گردن دیگری زد. سیلی زن پرسید که به نظر حضرت‌عالی این صدای تراق که آمد از گردن شما بود یا دست من؟ سیلی خورده گفت: این سؤال بی‌دردان است، من از درد فراغت پاسخگویی ندارم.

گفت از درد این فراغت نیستم

که درین فکر و تفکر بیستم

تو که بی دردی می‌اندیشی ازین

نیست صاحب درد را این فکر هین

آیا موضوعاتی که این روزها در بسیاری از پایان‌نامه‌ها و مقالات و پژوهش‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی مطرح می‌شود به‌راستی از روی نیاز و درد است؟ آیا این موضوعات که بیشترشان نیز کاربردی محسوب می‌شوند از دل نیازها برخاسته و برای رفع کاستی‌های جامعه شکل گرفته است؟ آیا اگر بسامد موضوع‌های مقالات منتشر شده در



*رویکرد دیگر مربوط به کسانی است که کتاب و کتابخانه را یک سو نهاده و با متر و دیگر وسایل مشغول سنجش وبلاگ‌ها و وب پیدا و پنهان‌اند. این روزها در کمتر پژوهشی موضوع کتابخانه‌های روستایی و یا حتی کتابخانه‌های آموزشی مورد سؤال و سنجش قرار می‌گیرد. اگر هم در این موضوعات چیزی مطرح شود از همان نوع اول است که تکرار آن ملال‌انگیز شده است. این گروه چنان ترسیم می‌کنند که گویا روستاییان و همه شهرنشینان همگی مشغول چت و نظریه‌پردازی‌های وبلاگی هستند و آنها رسالت کتابدارانه خود را در آن می‌بینند که به سنجش و تحلیل آن رفتار پردازند و البته این گروه اخیر کاملاً براساس "مد" حرکت کرده، پرستیژ لازم را با طرح مباحث نو حاصل می‌فرمایند.

از منظر روش‌شناسی می‌دانیم که یک پژوهش را می‌توان بر حسب ضرورت در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون بارها تکرار کرد. این را می‌دانیم که پرداختن به فناوری‌های نو در همه حوزه‌ها و از جمله در کتابداری و

اطلاع‌رسانی از ضروری‌ترین اقدامات است. سؤال این است: به‌راستی چند درصد این پژوهش‌ها برخاسته از نیاز و درد است و چه مقدار آن حاصل بی‌دردی و رفع تکلیف است. چقدر آن برای رفع کاستی‌های موجود است و چقدر برای کسب حیثیت مجوف علمی و یا مسائل مالی است، مالی که ظاهراً مدیران و مسئولان باید آن را زخارف مطرود دنیوی بدانند؟!

این عرصه طبیبان صاحب‌دردی را طلب می‌کند که در جست‌جوی کاستی‌ها و قوت‌های موجود و نیازهای حال و آینده بوده، نسخه‌هایی مناسب تجویز کنند، وگرنه در این عرصه نیز پزشک‌نمایی وجود دارند که کاسبکارانه و کاذبانه در پی آسیب‌شناسی‌اند و نسخه‌هایشان نیز جز در خیابان ناصر خسرو یافت نمی‌شود. مگر نمی‌دانیم اخیراً پژوهش‌سازان و مقاله‌پردازانی به کار مشغول‌اند که بنا بر سفارش، یک ماهه پایان‌نامه هر مقطعی را، آن هم به شرط چاقو! و پذیرش تحویل می‌دهند و تنها تفاوتشان در این است که پاتوق آنها روبه‌روی دانشگاه تهران است و از طریق وب! نیز آگهی می‌دهند!

فریبرز خسروی